

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۵۴ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۰ فروردین ۱۴۰۱ • ۷ رمضان ۱۴۴۳ • ۹ آوریل ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۵۲ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۶
اذان صبح فردا ۴:۵۷ • طلوع آفتاب ۶:۲۰

روزنامه شتر

یادداشت

تعطیلات در پرائتر



رویا صدر

تعطیلات امسال با تردید شروع شد و عنصر تردید، اتفاق‌های مهم و غیرمهم تعطیلات را به هم پیوند زد؛ بهار از همان آغاز با تردید آمد. آهسته‌خسته خودش را از لایه‌لای سوز و سرمای زمستانی (که تا روزهای اول فروردین هم کشی آمده بود) بیرون کشید.

گل‌ها و شکوفه‌های بلا تکلیف بهاری هم نفهمیدند که بالاخره می‌توانند طبق فرموده شاعر، از باد بهاری برقصند یا باید از ترس سوز و سرمای جان‌سوز زمستانی، با رعایت همه شئون اخلاقی، گوشه‌ای کز کنند و چشم به آینده بدوزند؟ در این میان مردم هم مردد بودند که امسال با شرکت در مراسم دیدوبازدید نوروزی برای یکدیگر؛ «صد سال به از این سال‌ها» را آرزو کنند یا به روی یکدیگر نیاورند، به بهانه کرونا به دیدن هم نروند و بگذارند هرکس در خلوت خودش با ترس از اینکه «صد سال به از این سال‌ها» بسوزد و بسازد؟

در چنین حال و هوایی خیلی‌های دیگر هم تکلیف‌شان با بهار مشخص نبود. شهرداری تهران تکلیف خودش را نمی‌دانست که با عید نوروز و بهار چطوری کنار بیاید. این بود که جز بعضی فعالیت‌های پرانگه شهرداری‌های مناطق، بهار بیشتر در بلبورد‌های تبلیغاتی چراغ خوراکی‌پزی و تور جزایر قناری و سپس سالاد به ذهن و روان مردم رفت و مستقیم چشم در چشم جماعت ندوخت که لابد قیاحت داشت! ایریک‌ها هم تکلیف‌شان را نمی‌دانستند که مطابق دل مسافران بخت‌برگشته نوروزی رفتار کنند یا دل به فناوری دانش‌بنیان اتومبیل‌های و قناری بدهند و در برابر ضرب‌خوردن، آخ هم نگوبند و باز نشوند؛ که البته بیشتر به توصیه دوم عمل کردند. در هر حال تعطیلات همین‌طور با تمام بلا تکلیفی‌های ریزودرشتش گذشت تا بالاترین بلا تکلیفی تعطیلات رقم بخورد و آن، قرارگرفتن هاملت‌وار مسئولان مربوطه و غیرمربوطه در برابر این سؤال مهم بشری دهه‌های اخیر بود که: «بودن یا نبودن زنان در ورزشگاه؟ مسئله این است.»

که البته این‌ن تردید برعکس تردیدهای قبلی در عرض یکی، دو شبانه‌روز حل شد تا به‌عنوان حل‌شده‌ترین تردید تعطیلات رقم بخورد و البته بعد از بروز تبعات این تصمیم، از سوی فدراسیون فوتبال اعلام شد: «جعالان بلیت‌های تقبلی دستگیر شدند» تا بعد از ظهور سلطان قیر و سلطان شکر و سلطان ارز و سلطان سکه، پای سلطان جعل بلیت هم به میان آید و افتخار دیگری در بازکردن گره از رخدادهای تلخ زندگی مردم این مرزوبوم رقم بخورد. این شیوه حل مسئله تردیدهای بشری، با دو حل مسئله دیگر تعطیلات در حوزه زنان پیوند خورد؛ یکی حضور نوازنده زن در کنسرتی در اردکان بود که با لغو کنسرت به خوشی و خوبی حل شد و دیگری پخش تصاویر جامینگ‌فیتنس دختران ماهشهری بود که با تعلیق مربیان‌شان پاسخی دندان‌شکن پیدا کرد و عالم بشریت را از انحراف رهاینی! اما گویا این بار مسئله آن‌گونه که پیش‌بینی می‌شد، پیش نرفت.

با به پایان رسیدن تعطیلات و کشف سلطان بلیت و تدابیر دیگر، ترکش‌های ماجرای استادبوم فوتبال مشهد گریبان مسئولان را رها نکرد تا نشان دهد که همیشه برای حل مسئله، پاک‌کردن صورت آن (آن‌هم با این شیوه‌های منحصربه‌فرد و ابتکاری) چهارراه نیست.

برعکس ممکن است خیلی وقت‌ها گریبان آدم را بگیرد و رها نکند و زمینه‌ساز طرح یک خواسته عمومی شود. گویی هم‌زمانی این رخدادها با بهار بلا تکلیف امسال، یادآور این پیام است که سرنوشت طبیعت، چه بخوایم و چه نخواهیم، چه دیر و چه زود، سلام‌دادن به بهار است و جلوی راه تاریخ و روزگار نمی‌شود تا ابد ایستاد. هر چند مخاطب فکر کند که نویسنده چقدر شعار می‌دهد.

یک جنایت چند متهم

زهرا مشتاق: خشونت ترسناک رخ داده در شهر مشهد که منجر به از دست‌رفتن جان دو انسان شد، یک بار دیگر جامعه مهاجران را مرکز توجه قرار داد؛ به طوری که بلافاصله تصویر جوانی که کشته می‌شود ضارب است، در اخبار و شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد و در صفحات مجازی نیز با انتشار تصاویری مرتبط، هجمه گسترده‌ای به سوی اتباع روانه شد؛ ورود موجی از افغانستانی‌ها به ایران از یکی از مرزها، سفره‌ای رنگین و گسترده که اتباع نشسته بر سفره اعلام می‌کنند در ایرانشهر هستند و تصویری از دریاچه چینگر تهران که شخص راوی حضور اونوه افغانستانی‌ها را نشان می‌دهد.

طبق آمارهای غیررسمی از زمان روی‌کارآمدن طالبان تاکنون، موج مهاجرت به سوی ایران افزایشی غیر قابل کنترل داشته است؛ به طوری که گفته می‌شود در حال حاضر، ایران جمعیتی بین پنج تا ۱۰ میلیون نفر را در خود جای داده که برای برخی موجب نگرانی یا محل تأمل است.

وجود جنگ‌ها یا حوادث مختلف موجب می‌شود کشورهای دیگر برای کمک به مردم حادثه‌دیده، مرزهای خود را به روی آنها باز کنند. اما پذیرش آن افراد به‌هیچ‌وجه رهاشده نیست و هر کشور طبق ظرفیت خود، تعدادی مشخص و اغلب با مصاحبه حضوری مورد پذیرش قرار می‌دهد. در ایران، به دلیل وجود مرزهای مشترک و طولانی با افغانستان و نیز فعالیت شدید قاچاقچیان انسان، روزانه مهاجران زیادی از مبادی غیرقانونی وارد کشور می‌شوند؛ مهاجرانی از اقوام و گرایش‌های فکری مختلف که قصد کلی آنها زندگی و کار در ایران است. انتخاب اول آنها ایران است چون ایران را هم‌زبان و نزدیک به فرهنگ خود دانسته و مهم‌تر وجود دین مشترک است که آنان را به ایران سوق می‌دهد. نقش و کارکرد مهاجران در انجام امور سخت و کارهاییدی در تمام این سال‌ها بر کسی پوشیده نیست. اما رفته‌رفته و در سال‌های اخیر اعتراضاتی نیز در این خصوص وجود داشته است. نخست اعتراض کارگران ایرانی؛ بسیاری‌شان معتقدند دستمزد ارزان و کار سیاه افغانستانی‌ها موجب می‌شود کاری به آنها ارجاع داده نشود و کارفرمای ایرانی، انتخاب اولش کارگر مهاجر باشد؛ چون هم پول کمتری می‌دهد و هم اجباری برای بیمه و پرداخت دیگر مزایا ندارد. بخش دیگری از اعتراض‌ها مربوط به کسانی است که معتقدند

صنف

افشین امیرشاهی

دبیر جدید انجمن صنفی

در نخستین جلسه هیئت‌مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران در سال ۱۴۰۱، «افشین امیرشاهی» به‌عنوان دبیر جدید انجمن انتخاب شد.

به گزارش روابط‌عمومی انجمن، در این نشست که با حضور اکثریت اعضا برگزار شد، موضوع استعفای «شهریار شمس‌مستوفی» دبیر سابق انجمن به دلیل مشغله شخصی مطرح و هیئت‌مدیره با تقدیر از عملکرد چندساله ایشان، با استعفای ایشان موافقت و افشین امیرشاهی، روزنامه‌نگار صاحب‌نام را به‌عنوان دبیر جدید انجمن انتخاب کرد.

گفتنی است هیئت‌مدیره در این جلسه همچنین از زحمات «بتسم نمازی» در دبیرخانه انجمن تقدیر به عمل آورد.



انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران



♦ پس از بارندگی‌های شش ماه گذشته فرصت کشت برنج در قصرقند سیستان و بلوچستان فراهم شده و قنات‌های این شهرستان آب موردنیاز کشاورزی را تأمین کرده است. عکس: پوریا ترابی، باشگاه خبرنگاران جوان

واکنش

اختلاف در مفهوم ایران یا وفاداری به ایران؟!



میرمهرداد میرسنجری*

با توجه به یادداشتی در روزنامه «شرق» که به طور مکرر در آن تأکید شده که گویی در مفهوم ایران دچار اختلاف فهم هستیم، ملت ایران متعلق به یک قوم و زبان خاص نیست،! هویت ملی نباید به یک زبان، قوم یا نژاد خاص تقلیل پیدا کند،! باید از فهم‌های باستان‌گرا و نگاه تاریخی به هویت ایرانی خودداری کنیم،! ضروری است با یادآوری تعریف مفهوم هویت ملی ایرانی از منظر مصالح و منافع ملی، تاریخ تجزیه ایران و نگاه‌های خصمانه برخی همسایگان آژمنده به ایران بازخوانی شود تا این افراد، از این دوگانگی ذهنی و برداشت‌های نادرست تاریخی رهایی یابند. در این میان نگاه تک‌بعدی به مفهوم ایران امروزی، با خلق واژگانی همچون «اکنونیت و معاصریت» و با تأکید بر نادیده‌نگاشتن تاریخ و تمدن دیرین ایران، نگاهی غیرواقع‌بینانه، غیرمنصفانه، غیرعلمی و ابتر بوده و آن‌سان واجد ارزش تحلیلی است که از زاویه‌های گوناگون تاریخی، جغرافیایی، ژئوپلیتیک، حقوقی، باستان‌شناسانه و رفتار‌شناسانه هم مورد تجزیه، تحلیل و واکاوی قرار گیرد. مگر می‌شود درباره مفهوم ایران ابراز نظر کرد، بی‌نیاز از فهم هویت پیوسته تاریخی هزاران‌ساله ایران، آن‌هم با تأکید ضمنی بر نادیده‌نگاشتن تاریخ ایران باستان؟! تاریخ ایران، چه ایران باستان و چه ایران پس از اسلام، چه دوست داشته باشیم چه نداشته باشیم، بخشی از هویت ایرانی است و باید پذیریم که هویت ملی ملت یکانه و یکپارچه ایران امروزی، در خلا شکل گرفته است که بخوایم با تأکید بر برخی واژگان، آن را در ظرف زمانی امروز محصور کنیم. اما آیا ایران، مفهومی جدید است و توسط رضاشاه پهلوی به وجود آمده؟ و آیا آن نام ملی فارسی، زبان یک قوم خاص است که توسط رضاشاه بر ایرانیان تحمیل شده؟! تاریخ علم می‌گوید سنگ‌بنای هویت ایرانی را ۱۰ هزار سال دیرینگی پیوسته و مستمر تمدنی با جلوه‌های اسناد هویتی همچون تپه سیلک و مارلیک و شهر سوخته و جیرفت و… تشکیل داده و تاریخ مکتوب نخستین دولت ملت جهان در ۲۵۰۰ سال پیش و آغاز شاهنشاهی هخامنشیان توسط کورش بزرگ نیز از سوی امثال هرودوت و گزنفون در دسترس است. دشمنان هویت ایرانشهری هر آنچه را به هویت ایرانی مربوط می‌شود، به پهلوی‌ها می‌چسبانند تا به طریق اولی، به راحتی بتوانند ایران و هویت و تاریخ و تمدن ایرانی را هم مسورد حمله و انواع اتهام‌ها قرار دهند. واگرایان قومی، مدعی‌اند نام ایران، نامی جدید است که در سال ۱۳۱۳ خورشیدی توسط رضاشاه پهلوی متداول شده و پیش از آن وجود نداشته است! در حالی که واژه ایران ریشه در تاریخ هزاران‌ساله تمدن ایرانی دارد. در اوستا، منطقه‌ای که نخستین مهد زندگی آریایی‌ها بوده، ایران‌ونجه نامیده شده که به معنای «سرزمین آریاها» است. در کتیبه سه‌زبانه ۱۸۰۰ساله کعبه زرتشت نوشته اردشیر پایکان، بنیان‌گذار شاهنشاهی ساسانی، به نام ایران اشاره شده است و ایرانشهر، نام کشورمان. از دست‌کم ۱۸۰۰ سال پیش تا قرن‌ها پس از اسلام بوده،! از وقتی که شاپور ساسانی گفت من خداوندگار ایرانشهرم تا وقتی که ابوریحان بیرونی ایرانشهر را قلب زمین نامید. زبان فارسی نیز برخلاف ادعاهای واگرایان قومی نه ویژه قومی مهوم و موهوم و نابیدا به نام قوم فارس است و نه با جبر رضاشاه پهلوی در ایران متداول شده بلکه در طول قرن‌ها، با انتخاب طبیعی و اختیاری دودمان‌های حاکم بر ایران، زبان ملی و دیوانی همه ایران بوده است. درحالی‌که ده‌ها زبان و گویش متداول در گوشه‌گوشه ایران همچون گیلکی، مازندرانی، لری، کردی، بختیاری، تاشی، تاتی، آذری، زرگری، سنگسری، زازایی، دزفولی و… هم در طول قرن‌ها بدون هیچ محدودیتی در کنار زبان ملی فارسی تا امروز مورد استفاده ملرت ایران بوده‌اند و به حیات خود ادامه داده‌اند. بنابراین کاربرد تاریخی فراگیر و فرارقموی زبان فارسی در گستره ایرانشهر از مرزهای چین و تاجیکستان تا آنتانولی و کردستانات و از دربند داغستان روسیه کنونی تا کرانه‌های بحرین بزرگ، هیچ‌گاه تحمیلی نبوده است. در سال ۱۸۷۲ در نشست ادیبان و زبان‌شناسان اروپایی در برلین، چهار زبان یونانی، فارسی، لاتین و سانسکریت به عنوان زبان‌های کلاسیک جهان اعلام شدند. بر پایه تعریف، زبانی کلاسیک به‌شمار می‌آید که باستانی و دارای ادبیات برپاری باشد و همچنین در واپسین هزاره زندگانی خود دچار دگرگونی‌های اندکی شده باشد و فارسی از نظر آثار ادبی و شمار و گوناگونی واژگان و همچنین ضرب‌المثل‌ها به عنوان یکی از غنی‌ترین و برمایه‌ترین زبان‌های جهان معرفی شده که از هزاره گذشته تا به امروز، آثار شناخته‌شده‌ای را همچون شاهنامه فردوسی، آثار مولوی، رباعیات خیام، پنج گنج نظامی، دیوان حافظ، منطق‌الطیر عطار نیشابوری و گلستان و بوستان سعدی به جهانیان عرضه داشته است. زبان فارسی در امپراتوری هندوستان تقریباً به مدت هزار سال، زبان علمی، ادبی و زبان رسمی بوده است. زبانی که در دوره ترک‌های غزنی به هند شاعران بزرگی همچون بیبل دولوی و امیرخسرو دهلوی و دستگاه شعری سبک هندی را در خود پروراند و بخش‌های زیادی از تاریخ و ادبیات هند به این زبان نگاشته شده است که پس از ورود استعمار بریتانیا، در سال ۱۸۳۲ میلادی، زبان فارسی ممنوع و زبان انگلیسی جایگزین آن شد. در امپراتوری عثمانی هم به مدت بیش از هفت قرن، زبان فارسی، زبان درباری، دیپلماسی، تاریخ‌نگاری، ادبیات و مورد تدریس در مدارس دولتی بوده است؛ به گونه‌ای که در آغاز تشکیل ترکیه نوین در ۱۹۲۳ میلادی و پیش از سیاست فارسی‌زدایی آتاترک، در فرهنگ عثمانی و زبان ترکی نزدیک به ۵۰ هزار واژه، پارسی‌سره یا عربی پارسی‌شده، وجود داشته است. کوتاه سخن اینکه هر کزرتی (دینی، تباری، زبانی و…) ذیل نام ایران به یک و دوگانه تاریخی ختم می‌شود و در صورتی همه ملت یگانه ایران، فارغ از هر زبان و گویش و آیین و تبار، نسبت به ایرانی که در آن زندگی می‌کنند، احساس تعلق خاطر می‌کنند که مفهوم ایران، نه با درکی تنگ‌نظرانه و محلی و قومی و زبانی، بلکه مفهومی توسعه‌یافته بر پایه حقوق شهروندی ملی و واقعیت‌های تاریخی هویتی جامعه ایرانشهری تبیین شود؛ با رفق کمبود آگاهی‌رسانی رسمی همگانی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه ملی.

♦ **استادیار دانشگاه و پژوهشگر فرهنگی و ژئوپلیتیک**

وجود مهاجران موجب انواع مشکلات، بزهکاری و ناهمخوانی‌های اجتماعی شده و نگرانی جدی آنها افزایش جمعیت مهاجران، زاد و ولد و اشغال فرصت‌های شغلی است. مورد اخیر اکنون شکل پررنگ‌تری گرفته و جامعه خواستار پاسخ مسئولان به این نگرانی است. در شرایطی که جدا از مشکلات اجتماعی و فرهنگی، مسائل اقتصادی گذران معیشت روزبه‌روز عرصه را بر مردم تنگ‌تر می‌کند، پذیرش این تعداد مهاجر چه معنایی دارد؟ قدر مسلم جامعه مهاجر نیاز به محلی برای زندگی و شغل دارد. آنها نیاز به آموزش، امور درمانی، رفاهی و موارد دیگر دارند. این نیازها چگونه برآورده می‌شود؟ آیا پاسخ به نیاز جامعه مهاجر موجب تنگنای بیشتر و فشار مضاعف بر آنها و مردم نمی‌شود؟ واقعیت این است که در تمام دنیا، وجود پناهنده و مهاجر امری بدیهی و پذیرفته‌شده است. در ایران نیز از سال‌های دور تاکنون افغانستانی‌های زیادی به این کشور آمده و ایران وطن و خانه دوم آنها بوده است. در میان این مهاجران کسانی بوده‌اند که انسان‌هایی زحمتکش، شریف، تحصیل‌کرده و باسواد بوده‌اند، اما در عین حال در شرایط فعلی و افزایش چشمگیر موج مهاجرت به ایران، جدا از جنبه انسان‌دوستانه، می‌بایست شرایط کشور را نیز مدنظر قرار داد. آیا آمار و شناختی از جامعه مهاجران، به‌خصوص آنهایی که پس از جریان طالبان به ایران آمده‌اند، وجود دارد؟ آیا ممکن است در میان این افراد، نخله‌های فکری خطرناک و نفوذی هم وجود داشته باشند؟ چگونه امکان کنترل جدی‌تر مرزها وجود دارد؟ آیا در برهه حساس فعلی آگاه‌سازی جمعی و به‌خصوص مافیای قاچاق انسان نیاز به بررسی و کار عملیاتی ندارد؟ مهم آن است که دچار افراط یا تفریط نشده و هیجان‌زده برخورد و رفتار نشود. وجود مهاجران اگر همراه با برنامه‌ریزی‌های مناسب باشد، قدم‌مسلم می‌تواند حضوری مؤثر باشد. اما توجه به ظرفیت‌های کشور و توان و میزان پذیرش نیز بی‌نهایت اهمیت دارد و ازجمله وظایف سیاست‌گذاران کلان کشور است. حادثه اخیر می‌تواند و باید همه ما را در محافظت از مرزها و کشور هوشیارتر و آگاه‌تر کند.

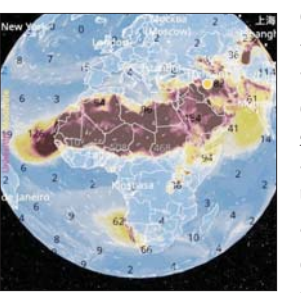
ولی نکته مهم پایانی تأکید بر رفتاری به دور از احساس و هیجان‌زدگی است. روی لباس و دست‌های جوان دستگیرشده هیچ ردی از خون وجود ندارد. به‌خصوص اینکه لباس او روشن است و ضربه‌زدن به انسان که خون جهنده دارد، باید لباس و صورت و دست‌های او را نیز خونین می‌کرد. اما در نگاه به فیلم‌ها می‌بینیم که چنین نیست. آیا ممکن است قتل‌های رخ داده یک برنامه‌ریزی برای ایجاد آشوب میان جامعه میهمان و میزبان باشد؟ باید کسی یا کسانی پاسخ‌گو باشند.

پرنده آبی

آلودگی هوا به ۵۰۰ رسید

زیر غبار دفن می شویم

<div><div><div><div><div></div><div><div>Hazardous</div></div></div></div><div>500</div></div></div>
<div><div><div><div><div></div><div><div>۱۳:۰۰</div></div></div></div><div>Temp: 22°C</div></div></div>
<div><div><div><div><div></div><div><div>PM۱۰: 253</div></div></div></div><div>PM۱۰: 253</div></div></div>
<div><div><div><div><div></div><div><div>PM۲.۵: 24</div></div></div></div><div>PM۲.۵: 24</div></div></div>
<div><div><div><div><div></div><div><div>CO۲: 13</div></div></div></div><div>CO۲: 13</div></div></div>
<div><div><div><div><div></div><div><div>Humidity: 14</div></div></div></div><div>Humidity: 14</div></div></div>
<div><div><div><div><div></div><div><div>Wind: 28</div></div></div></div><div>Wind: 28</div></div></div>
<div><div><div><div><div></div><div><div>Cloud: 0%</div></div></div></div><div>Cloud: 0%</div></div></div>



بررسی شرایط اضطراری بودند؛ اما کار بیشتری انجام نشد و مدام تکرار شد که تهرانی‌ها در خانه بمانند. در این میان بسیاری از کاربران با وحشت درباره میزان آلودگی آب‌وهوای تهران نوشتند؛ آلودگی‌ای که قاعدتا باید در صورت گذر از ۳۰۰ به تخلیه شهر بینجامد.
بالین‌حال، کسی انتظاری از مسئولان شهری تهران نداشت و فقط به انتشار افزایش شاخص آلودگی اکتفا می‌شد؛ شاخصی که از ۱۹۰ به ۳۰۰ و ۳۷۹ و بعدتر به ۴۹۱ رسید. تیتز تسنیم این بود: «آلودگی هوای تهران «خطرناک» شد/ شاخص برخی مناطق به ۵۰۰ رسید»
و طبق گزارش در ساعات میانی روز « مناطق ۲،۱، ۸،۷، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۲ دارای شاخص ۵۰۰ بودند».
به گفته کارشناس سازمان هواشناسی توده گردوخاکی که از کشور عراق وارد ایران شده، غرب و مرکز کشور را زیر پوشش قرار داده است و این شرایط حتی در سره روز آینده نیز ادامه ۳۰۲ ساتی‌گراد افزایش دما تا پایان قرن حرکت می‌کند.